



Applying the Jurisprudential Principle of Lā Ḍarar (No Harm) on the Promotion of Yoga

Alireza Mellati¹ | Abedin Momeni² | Behzad Hamidieh³

1. Corresponding Author, PhD, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mellati.a@ut.ac.ir
2. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: abedinmomeni@ut.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hamidieh@ut.ac.ir

Abstract

Today, yoga has gained worldwide fame. The father of yoga science in Iran says that yoga is not just a sport. It seems that when people of other religions use yoga, Hindu beliefs appear consciously or unconsciously in the background of their minds. Therefore, the outward and practical form of yoga cannot be considered a physical exercise or exercise without any intellectual or ideological pass-precipice. The purpose of this research is to investigate the application of the jurisprudential principles of lā Ḍarar on the promotion of yoga. This research is a type of descriptive and analytical research; and the method of collecting materials and information in this research is a library (documents) and in the present research, an indexing method was also used. According to the principles of lā Ḍarar, practicing yoga in the absence of experienced teachers can cause significant physical harm to people. There are many spiritual, religious, cultural, social and intellectual losses in yoga and its promotion in the society. Among the other cases of application of this principle is that a yogi is not a person of jihad and fighting against the enemy, because he seeks peace, and such a person does not seek jihad for the sake of Allah and fight against the enemies of Islam. Also, according to the principle of "Ahimsa", a yogi should not cause any harm to others and animals (absolutely), and this principle is against the principle of jihad and fighting against the enemies of Islam and land invaders and killing the warriors.

Keywords: promotion of yoga, principle of principles of lā Ḍarar, kankhya, spiritual harm..

Cite this article: Mellati, A., Momeni, A., & Hamidieh, B. (2024). Applying the Jurisprudential Principle of Lā Ḍarar (No Harm) on the Promotion of Yoga. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 56 (2), 447-464. (in Persian)

Publisher University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil2024.371162.669638>



Article Type: Research Paper

Received: 44-Feb-2024

Received in revised form: 44-Apr-2024

Accepted: 8-May-2024

Published online: 00-May-2024

تطبیق قاعده فقهی لا ضرر بر ترویج یوگا

علیرضا ملتی^۱ | عابدین مؤمنی^۲ | بهزاد حمیدیه^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mellati.a.ut.ac.ir
۲. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: abedinmomeni@ut.ac.ir
۳. استادیار، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hamidieh@ut.ac.ir

چکیده

امروزه یوگا که فقط یک ورزش نیست، شهرتی جهانی یافته است. به نظر می‌رسد زمانی که افراد سایر ادیان از یوگا استفاده می‌کنند، باورهای هندو آگاهانه یا ناخودآگاه در پس زمینه ذهن آنها حضور پیدا می‌کند. بنابراین شکل ظاهری و عملی یوگا را نمی‌توان ورزش یا تمرینی بدنی و فاقد هرگونه عقبه فکری و عقیدتی در نظر گرفت. هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیق قاعده فقهی لا ضرر بر ترویج یوگا می‌باشد. این تحقیق از گونه تحقیقات توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری مطالب و اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای (اسنادی) است و در تحقیق حاضر از فیش برداری استفاده شده است. در تطبیق قاعده «لا ضرر» بر یوگا بیان می‌شود که هم احتمال ضرر مادی وجود دارد و هم ضرر معنوی. طبق قاعده لا ضرر، انجام یوگا در فقدان اساتید مجرب می‌تواند آسیب‌های بدنی قابل توجهی را متوجه افراد نماید. به احتمال عقلایی در یوگا و ترویج آن در جامعه ضررهای متعدد معنوی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و فکری معتبر است. از دیگر موارد تطبیق قاعده این است که فرد یوگی اهل جهاد و مبارزه با دشمن نیست، چون دنبال کسب آرامش است و چنین فردی دنبال جهاد فی سبیل الله و مبارزه با دشمنان اسلام نمی‌رود. همچنین بر اساس اصل «اهیمسا»، یوگی نباید هیچ‌گونه آسیبی به دیگران و حیوانات وارد بیاورد (بطور مطلق)، و این اصل مخالف اصل جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و متجاوزان به سرزمین و کشتن محاربان است.

کلیدواژه‌ها: ترویج یوگا، قاعده لا ضرر، سانکهییه، ضرر معنوی.

شاپا چاپی: ۸۱۷۴۴-۲۰۰۸
شاپا الکترونیکی: ۷۶۱۲-۲۲۲۸

فقه و مبانی حقوق اسلامی

مؤسسه انتشارات و معارف اسلامی
دانشگاه تهران



استناد: ملتی، علیرضا، مؤمنی، عابدین، و حمیدیه، بهزاد (۱۴۰۲). تطبیق قاعده فقهی لا ضرر بر ترویج یوگا. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۶ (۲)، ۴۴۷-۴۶۴.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ DOI: <https://doi.org/10.22059/..fil..024.371162.669638>

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰



مقدمه

موضوع یوگا از مباحث و فعالیت‌هایی است که دارای پشتوانه فکری و فلسفی پیچیده‌ای در آئین و فلسفه‌های هندویی است و همین پشتوانه‌های قوی و پیشینه چند هزارساله‌است که ترویج آن را با تأثیر دوچندان مواجه کرده‌است. تردیدی نیست که یوگا از فرهنگ و آئینی بیگانه با دین و فرهنگ اسلامی وارد جامعه مسلمین شده و همین امر موجب تحریک حس کنجکاوی اقشار مختلف جامعه نسبت به آن گشته‌است. وجود رسانه‌های جمعی و تبلیغات مجازی برای هر امری از جمله یوگا و از دیگر سوی ترویج آن به‌عنوان یک ورزش یا درمان تکمیلی بیماری، سبب اقبال عمومی به آن شده‌است. هر ورزش، درمان یا روش عرفانی که با خود فرهنگ دینی خاصی بیاورد، از منظر عقلی قابل بررسی است. حال باتوجه به اینکه یوگا جزء مسائل مستحدثه‌است، از همین روی برای استخراج حکم فقهی آن نیازمند شناخت دقیق آن هستیم.

شناخت ماهیت یوگا به‌عنوان موضوع حکم فقهی از آن جهت اهمیت دارد که در تطبیق دادن قضایای کلی فقهی بر مسئله، باید معلوم باشد که مسئله ما دقیقاً چیست؟ به نظر می‌رسد که اختلاف نظرات موجود نیز برخاسته از عدم شناخت کافی و صحیح و تعریفی جامع از حقیقت یوگا است. به‌طور مثال با بررسی سیر تاریخی یوگا و شناخت ماهیت دقیق آنچه امروز عنوان ورزش یوگا در حال انجام است معلوم می‌شود که آیا آنچه امروز به‌عنوان یوگا در مراکز علمی و ورزشی یا درمانی کشور ما تدریس می‌شود، دقیقاً یک نظام اعتقادی مخالف یا متفاوت با اصول توحیدی اسلام را ترویج می‌کند و با تمام پشتوانه‌های فکری و فلسفی در حال نفوذ به‌نظام اعتقادی مردم ما است و یا صرفاً به‌عنوان یک ورزش از تاریخ و پیشینه اعتقادی و فلسفی هندویی اقتباس شده‌است و بسیاری از اصول آن که مبتنی بر ثنویت (دوگانه‌انگاری) یا مسائلی مانند نجات از «سمساره» (تناسخ) هستند در حد یک رشته حرکات بدنی و روحی بر تمرکز و آرامش بخشی فروکاسته شده‌اند؟ همچنین باید با بازبینی قواعد فقهی، ظرفیت‌های آن برای استخراج حکم این مسئله مستحدثه بررسی شود و چنانچه عملی کفرآمیز یا به‌عنوان ضرر به شمار آید باید بررسی شود که علت مضر بودن در احادیث وارده چیست؟

بنابراین پرسش اصلی ما در این پژوهش این است که آیا قاعده فقهی لا ضرر در موضوع ترویج یوگا ملاک حکم شرعی است؟ و در راستای پاسخ به این پرسش، لازم است که به این سوال فرعی پاسخ داده شود که ماهیت و ابعاد یوگا چیست؟

بنابراین این پژوهش را در چند مرحله دنبال می‌کنیم. نخست شناخت درست و دقیق یوگا که شامل بررسی سیر تاریخی آن و همچنین ریشه‌یابی آن در افکار آئینی و فلسفی هندویی است. دوم بررسی ماهیت آن که امروزه به‌عنوان یوگا تدریس می‌شود. سوم بررسی قاعده فقهی لا ضرر که جهت استخراج حکم ترویج یوگا است. لازم به ذکر است آنچه در این پژوهش پیگیری می‌شود، تنها چشم‌اندازی است

که می‌تواند مقدمات لازم جهت صدور حکم فقهی از سوی فقیه جامع شرایط را فراهم نماید، و این پژوهش به‌هیچ‌عنوان به دنبال صدور فتوا و حکم شرعی نیست.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید بیان کرد که در سالیان دور و به‌طور خاص در سالیان اخیر کتاب‌ها و مقالات بسیاری دربارهٔ یوگا نوشته شده‌است و نویسندگان مختلف هرکدام از منظری به یک یا چند بخش از موضوعات مرتبط با آن پرداخته‌اند؛ لیکن در خصوص مباحث مستحدثه همچون موضوع ترویج یوگا در جامعه کم‌تر سخن به میان آمده‌است؛ اما بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تحقیقی با مضمون موضوع این تحقیق مشاهده نمی‌شود. جنبه نوآوری پژوهش نیز تطبیق اصول اعتقادی و آموزه‌های یوگا با مباحث فقهی است؛ به‌عبارت‌دیگر این مقاله کوششی است در تنقیح قاعده فقهی لاضرر، جهت استنباط حکم شرعی یوگا و ترویج آن که در واقع از مسائل مستحدثه‌است.

یوگا در لغت و اصطلاح

کلمه «یوگا»^۱ در قدیمی‌ترین متون هندوئیسم به‌نام «کت‌ها اوپانیشاد»^۲ آمده‌است. یوگا از ریشه «یوج»^۳ به‌معنای مهار و هم‌ریشه و تقریباً هم‌معنا با «یوغ» فارسی است. این واژه را در «وداها»^۴، ابتدا به‌معنای پیوند دادن و سپس بستن اسب به کار می‌برده‌اند. در نهایت حدود ۵۰۰ قبل از میلاد، یوگا در تعریف عملی به مفهوم «مراقبه حواس» و یا «کنترل حواس» به‌کاررفته‌است. در متون فارسی و عربی قدیم نیز برای حکایت از این مفهوم، لفظ «جوک» را به کار می‌برده‌اند. (ر.ک. الیاده، ۱۹۵۸: ۹۸). یوگا در بعضی منابع به‌عنوان آئینی ذکر شده که موجب «توقف کارکردهای ذهنی» می‌شود. (ر.ک. سوامی ساتیاسنگ، ۲۹: ۱۳۷۷) که در این صورت یوگا را می‌توان به‌عنوان علم مهار ذهن و فکر و علم مدیریت نیروی جسم و روان به‌منظور تسلط همه‌جانبه بر توانایی‌های بالقوه خود نام برد. (ر.ک. شایگان، ۱۳۷۹: ج ۲: ۶۲۶).

در اصطلاح مکتب یوگا یکی از شش مکتب فلسفی هندی است که به ماهیت ملکوتی «وداها» اعتقاد داشته و آیین واحدی را در تاریخ و جغرافیای هند ایجاد کرده‌است و نیز از فلسفه، عرفان، روان‌شناسی و ورزش در مناسک و معارف خود استفاده کرده‌است. اما آنچه مکتب یوگا را از دیگر مکاتب

^۱. Yoga

^۲. اوپانیشادها (اوپه‌نیشد) اصطلاحی در زبان سانسکریت، از کهن‌ترین متون مینوی آئین هندو و مهم‌ترین آثار فلسفی هندوستان هستند که تاریخ تقریر قدیمی‌ترین شان به سده‌های هفتم یا ششم قبل از میلاد می‌رسد (ویکی‌پدیا).

^۳. Yuj

^۴. واژه «ودا» به معنای «دانش» است. وداها سرودهایی هستند که در بیش از هزار سال پیش از میلاد سروده شده‌اند. همین متون به‌عنوان مبنای اعتقاد و باور هندیان قلمداد شده و الهام‌بخش و مبنای آیین‌های بعدی هندی بوده‌است. (گزیده سرودهای ریگودا به تحقیق جلال نائینی).

هندو متمایز می‌کند دو چیز است: یکی نظریه نجات بخشی که مختص این مکتب است و دیگری طریقتی است که برای تحقق نظریه نجات پیشنهاد می‌کند. نظریه نجات بخشی معتقد است، شناخت خود واقعی از غیر خود، تنها با خاموشی اندیشه و سرکوب حرکت افکار محقق می‌شود. اعمال ویژه یوگا نیز به صورت عملیاتی، مراحل تدریجی و هشت گانه تحقق این امر را آموزش می‌دهد. (ر.ک. پورا بر اهریم و موحدیان عطار، ۱۳۹۶: ۳۶).

در کتب و منابع معتبر هندی، از فردی به نام «پاتانجلی» یا «پاتنجلی»^۵ به عنوان مؤسس و بنیان‌گذار رسمی و مشهور مکتب یوگا، نام برده شده است؛ اما واقعیت این است که او مخترع و مبتکر یوگا نیست؛ بلکه از مدت‌ها پیش از پاتانجلی، شیوه‌ها و روش‌های یوگا در مجالس و انجمن‌های طرفداران فرقه‌ها و مذاهب هندی و غیر هندی مطرح بوده است و شاید بتوان حتی شکلی از آن را در آثار برجای مانده از قوم ماقبل آریایی‌های هند یافت.

از «یوگا سوترا»، به عنوان مهم‌ترین متن دینی یوگا نام برده می‌شود. یوگا سوترا، مانند دیگر نوشته‌های کلاسیک مکاتب فلسفی هند، خلاصه‌ای نظم یافته است که شایستگی بحث و بررسی توسط متفکران بزرگ و ارائه توضیحات و هشدارهای متعدد را کسب کرده است. بدین ترتیب این مکتوب توانست با ترسیم اندیشه‌ای متمایز و تنظیم یک رشته توصیفات و تفسیرها و برانگیختن مفسران و اساتید بزرگ، مکتبی متفاوت از سایر مکاتب هندو ایجاد کند. (همان: ۴۷) دوروش «هتهه یوگا»^۶ و «یوگا کوندالینی»^۷، در میان روش‌های غیرکلاسیک یوگا، از اهمیت بیشتری برخوردار است و در گفتمان یوگا، حرف‌هایی برای گفتن دارند. هتهه یوگا یک شکل غیر متعارف و ترکیبی از یوگا است که در قرن دوازدهم از آمیخته شدن آیین بودایی و تکنیک‌های ریاضتی هند به وجود آمد (مهاجر گنجه‌ای، ۱۳۸۶: ۸۶).

ماهیت یوگا

ماهیت یوگا بر پایه چهار اصل اساسی پی ریزی شده است. ۱- آفرینش (جهان هستی) ۲- خدا ۳- انسان ۴- محنت (درد و رنج). بنیان و شالوده مکتب یوگا، بر اساس فلسفه سانکهایه پی ریزی شده است (ر.ک. هینلز، ۱۳۹۶: ۶۹۵). به عبارت دیگر سانکهایه، فلسفه نظری مکتب یوگا را تشکیل می‌دهد و مکتب یوگا، تجلی عملی، فلسفه سانکهایه است. در فلسفه نظری سانکهایه به تحلیل فرضیه‌های اثبات

^۵ پاتانجلی یا پاتنجلی: مولف یوگا سوتراها است که زمان زیست او بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از تولد مسیح برآورد می‌شود. (یوگا

سوتراهای پاتانجلی، چهار فصل رهایی، سوامی ساتیاندا، ساراسواتی)

^۶ هتهه یوگا: در این شاخه از یوگا، از حرکات بدنی یا آسانا، تکنیک‌های تنفسی یا پرانا یاما و مدیتیشن یا مراقبه استفاده می‌شود. (کتاب هاتایوگا سوامی نیرانجاناندا ساراسواتی)

^۷ کوندالینی: در هندوئیسم به نوعی انرژی در بدن انسان اشاره دارد که گفته می‌شود در پایین ستون فقرات قرار دارد. کوندالینی یوگا یکی از این مکاتب یوگا است که بر بیدار کردن انرژی کوندالینی از طریق انجام منظم تمرینات و مدیتیشن تمرکز دارد. بیدارسازی یا آزاد شدن کوندالینی در نهایت موجب تجربه اشراق یا روشن بینی می‌شود.

خدا اشاره شده و در رد دلایل اثبات وجود خداوند، ادعا شده که وجود و عدم وجود خدا به نحوه تربیت معنوی انسان ارتباطی ندارد. از سوی دیگر، آیین بودا و مکتب یوگا، در اصول نخستین و مفاهیم فلسفی با هم اشتراک و تطابق زیادی دارند. (ر.ک. ساتیاناندا سارا سواتی، ۱۳۸۰: ۲۷) در دنیای مدرن، بخش‌هایی از آموزه‌های یوگا نیز در هند و خارج از هند، به‌ویژه در کشورهای غربی محبوبیت پیدا کرده‌است. همچنین با توجه به نیاز مخاطبان جدید که عمدتاً از دیگر ادیان دینی مانند بودا، مسیحیت و اسلام هستند، تمرینات یوگا، مبانی فلسفی و نظریه نجات‌شناسی خود را رها کرده و به یک قسم ورزش و تمرین بدنی و ذهنی و نیز روشی برای دستیابی به سلامتی و آرامش تبدیل شده‌است (ر.ک. پورابراهیم و موحدیان عطار، ۱۳۹۶: ۴۴). البته مفهوم یوگا از آنچه بین مردم شایع است، بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر است. عده‌ای از مردم تمایل دارند با تمرین یوگا به زیبایی و تناسب اندام برسند و گروهی کثیری از مردم آن را یک ورزش تصور می‌کنند؛ یوگا در بالاترین مفهوم ارزشی خود مدعی بیداری و آگاهی موخداانه یک عارف است که در این آگاهی، فرد یوگی از تمایلات نفسانی خود خارج شده و تمایلات معنوی و روحانی وی شکوفا می‌شود (ر.ک. الیاده، ۱۹۵۸: ۹۸).

هدف مکتب یوگا، جلوگیری از رشد و آگاهی و عدم فعالیت‌های ذهنی و فکری انسان، برای ترویج «رضایت درونی دائمی» و قرار دادن ذهن در حالت «خلأ و خلسه» است. (ر.ک. کارت و کینگ، ۲۰۰۵: ۹۸) بیشتر معلمان یوگا از دادن پاسخ روشن به سؤال هدف یوگا اجتناب می‌کنند و سعی می‌کنند حدس بزنند مخاطب چه چیزی را به‌عنوان هدف یوگا دوست دارد. در دهه ۱۹۶۰، یکی از پزشکان و محققان هندوستان به‌نام «پاراماها ماساجی» در خصوص اهداف یوگا بیان کرد که یوگا برای زیبایی بدن، رفع چین و چروک پوست و زیبایی صورت است. (ر.ک. جیوتی، ۱۳۸۰: ۳۴) گروهی دیگر اهداف یوگا را شفای بیماری و درد و رسیدن به سلامتی مطرح کردند. (ر.ک. هیتلمن، ۱۳۸۸: ۱۹) برخی افراد اهداف یوگا را، آرامش، کاهش استرس و رفع بیماری‌های روانی مطرح کرده‌اند. (دوی، ۱۳۸۰: ۸۷) مدیتیشن، تمرکز، خودآگاهی، دسترسی به خلاقیت و افزایش آگاهی از دیگر اهداف یوگا پیشنهاد شده‌است. اما هیچ‌کدام از موارد فوق اهداف یوگا نیست، زیرا یوگا یک دین با آموزه‌های مخفی است که نمی‌توان به‌راحتی اهداف و برنامه‌های آن را شناخت. محقق بزرگ یوگا «میرچا الیاده»^۸ با کمی صراحت به آموزش پایه یوگا اشاره کرده و می‌گوید هدف تمام تکنیک‌های یوگا در یک نقطه است، یعنی انجام متضاد و مخالف آنچه که فرد به آن عادت کرده‌است. در واقع هدف واقعی یوگا براندازی تمام ارزش‌های انسانی است. (ر.ک. شایگان، ۱۳۷۹: ج ۲: ۶۳۰) سخنان الیاده آخرین پیوند قبل از هدف نهایی یوگا را بیان می‌کند، وی می‌گوید کسی که بتواند تمام ارزش‌های انسانی را زیر پا بگذارد و بر خلاف آنها عمل کند، به هدف یوگا خواهد رسید.

^۸ میرچا الیاده (۱۹۰۷-۱۹۸۶)، از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان نامدار

خدایان شیطان پرستی از یک سوی و برنامه‌های ضد انسانی و غیراخلاقی از سوی دیگر، نوعی اتحاد و ارتباط با نیروهای شیطانی را به‌عنوان هدف یوگا از طریق نمادها و رمزها نشان می‌دهند. در نظر گرفتن اهداف کوچکی مانند: سلامتی، ورزش، کاهش درد، رفع مشکلات روحی و روانی و یا افزایش زیبایی و جوانی، اهداف بسیار کوچکی هستند که ممکن است منجر به زیان شود. زیرا فرد با یوگا وارد یک کار پرخطر می‌شود. (ر.ک. جیوتی، ۱۳۸۰: ۳۹)

قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر، نفی حکم ضرری در دین مقدس اسلام است. بنابراین هر عبادت یا معامله‌ای که ضرری را در پی داشته باشد، باطل به حساب می‌آید و منتفی می‌شود. مقصود از ضرر، ضرر دنیوی است. البته شارع مقدس بر بندگان منت گذاشته و این حکم را در برخی موارد برداشته است. پس قاعده لا ضرر بر همه عموماً حاکم است. (ر.ک. انصاری، ۱۴۱۳: ۲، ج ۲: ۳۷۴)

مفهوم‌شناسی قاعده

در خصوص معنای کلمه «ضرر»، در کتاب‌های لغت بیشتر در معنای (ضد منفعت) از منظر رایج به کار رفته است، و کتاب لغت‌نامه «قاموس قرآن» نوشته «قرشی بنایی» نیز به همین معنی ذکر شده است.

در کتاب «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر» نوشته «فیومی» نیز به همین مضمون ذکر شده است. البته برای واژه ضرر در کتاب‌های لغت، معانی دیگری هم ذکر شده است، اما چون از منظر عرف معنای آن مشخص و واضح است، نیازی به رجوع به کتب دیگر اهل لغت نیست، زیرا که اولاً نظر اهل لغت فاقد حجیت شرعی است و دوم اینکه، استناد به قول اهل لغت، زمانی ضروری است که معنای آن کلمه یا عبارت مبهم و نامشخص باشد. (ر.ک. مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۲، ج ۲: ۱۶۵)

البته این که بعضی افراد تصور می‌کنند که حدیث «لا ضرر» شامل ضرر معنوی نمی‌شود، صحیح نیست و حدیث لا ضرر هم ضررهای مالی و جانی و هم ضررهای معنوی را شامل می‌شود، زیرا می‌توان ادعا کرد که صدور «حدیث لا ضرر» از سوی پیامبر مکرم اسلام در ارتباط با ضرر معنوی که «سمرة بن جندب» بر مرد انصاری وارد کرده، بوده است. زیرا حدیث مذکور صرفاً بیان یک امر تعدی نیست، بلکه در مقام بیان یک اصل عقلایی و به‌منظور اجرای برابری اجتماعی و برداشتن هرگونه تعدی و تجاوز از سوی انسان‌ها مطرح شده است. (همان)

جمع بندی نظرات اهل لغت این است که واژه «ضرر» با توجه به موارد استعمال، در دو معنای متفاوت به کار برده شده است. در معنای اول، به مفهوم «قرار دادن دیگری در تنگنا» و در معنای دوم به مفهوم «ایجاد نقص در جان و یا مال و یا عرض و آبرو» و واضح است که در حدیث «لا ضرر» در معنی اول به کار رفته است.

برای کلمه «ضرار» معانی مختلفی در کتب لغت ذکر شده که مختصراً در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «فخرالدین طریحی» در کتاب فرهنگ لغات خود به نام «مجمع البحرین» آورده است، ضرار از ماده «ضر» و به معنای این است که دو نفر به یکدیگر ضرر وارد آورند و «لا ضرار» به این مفهوم است که هیچ‌کس نمی‌تواند دیگری را در مقابل ضرری که بر او وارد آورده است، کیفر و عقوبت نماید. بعضی دیگر از لغویین معتقدند: «ضرار» به معنای آسیب و زیان است و در حدیث لاضرر به مفهوم ابرام و تأکید ذکر شده است و در کتاب‌های فرهنگ لغت «قاموس قرآن» و «مصباح المنیر» نیز در همین معنی ذکر شده است. بعضی دیگر مانند غروی اصفهانی (کمپانی) و میرزای نائینی معتقدند «ضرار» به معنای آن است که شخصی بخواهد، از روی عمد و با تصمیم قبلی بر دیگری ضرر وارد آورد و در حدیث لاضرر و لا ضرار به نظر می‌رسد همین معنای اخیر، مقصود باشد (همان)

نتیجه‌گیری و نظر مختار در این مقاله این است که ضرر شامل هر گونه ضرر مالی و جانی و معنوی و ضرار به معنای آسیب و زیان از روی عمد و با تصمیم قبلی بر دیگری است.

مقصود از لا ضرر و لا ضرار

در خصوص این حدیث چند نظریه مطرح گردیده است: بعضی از فقها مانند «عبدالفتاح حسینی مراغی» و «شیخ الشریعه اصفهانی» معتقدند، مقصود از کلمه «لا» در حدیث مذکور، نهی از ضرر و ضرار و تحریم آن‌ها می‌باشد. بعضی دیگر از فقها مانند «مرحوم نراقی»، معتقدند، مقصود از «لا ضرر و لا ضرار» نفی ضررهای غیر متدارک می‌باشد، یعنی ضررهایی که در اسلام جبران نشده باشد، زیرا که چنین ضررهایی در اسلام پذیرفته نیست.

برخی دیگر از فقها مانند «آخوند خراسانی» (صاحب کفایه) معتقدند که مقصود از حدیث لاضرر، نفی آن دسته از احکامی است که موضوع آن‌ها ضرری است، به دیگر سخن موضوعاتی که دارای احکامی هستند، اگر عناوین اولیه آنها باعث ضرر باشند، حکم آن، برداشته می‌شود. همان طوری که پیامبر مکرم اسلام (ص) با حدیث لا رهبانیت، با نفی موضوع، حکم رهبانیت را نفی کرده‌اند، در حدیث لا ضرر نیز، آن حضرت، حکمی را که برای مسلمانان ضرری داشته باشد را با نفی موضوع ضرر، نفی کرده‌اند. بنابراین مفاد حدیث، نفی حکم به لسان نفی موضوع می‌باشد. برخی دیگر معتقدند که در حدیث لاضرر، هر حکم ضرری، اعم از اینکه منشأ ضرر، موضوع ضرر باشد (مانند اینکه وضو برای مکلف ضرر داشته باشد) یا منشأ ضرر، نفس حکم باشد (مانند حکم به لزوم عقد که یکی از طرفین معامله مغبون شده باشد)، نفی شده است. «شیخ مرتضی انصاری» و «میرزایی نائینی» از جمله این افراد هستند.

بعضی دیگر از فقهای معاصر عقیده دارند: واژه «نهی» به مفهوم، نهی هرگونه حکم و موضوعی است که ضرر از آن حاصل شود. (ر.ک. مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ج ۲: ۱۶۵) امام خمینی (ره) معتقد است، مقصود از «لا ضرر» بیان یک دستور و حکم ولایی و حکومتی است، یعنی در حدیث مذکور،

رسول اکرم (ص) با توجه به اختیارات و ولایتی که از سوی خداوند متعال بر مردم داشته‌اند، در مقام صدور یک حکم حکومتی و اعمال ولایت بوده‌اند، لذا در این حدیث با امرونی حکومتی می‌خواهند بیان نمایند که در دین اسلام هیچ‌گونه ضرر و سختی (مضیقه) از کسی بر دیگری پذیرفته نیست. در واقعه تاریخی قطع و کندن درخت «سَمْرَة بن جُنْدَب» به دستور پیامبر (ص)، حدیث نبوی «لا ضرر»، دلیل دستور قطع درخت (که منشأ ضرری بوده که سَمْرَة بر مرد انصاری وارد آورده) را مشخص می‌نماید. (ر.ک. خمینی، ۱۴۲۶: ج ۱: ۵۵)

نظرات طرفداران اثباتی بودن قاعدة لا ضرر

مرحوم شیخ انصاری (ره) در کتاب «رسائل فقهیه» بیان می‌دارد، در شریعت اسلام، قاعدة لا ضرر، امور عدمی را هم شامل می‌شود و هر چیزی که مصداق ضرر برای مسلمانان باشد اعم از اینکه امر عدمی باشد یا وجودی، برداشته می‌شود. (ر.ک. انصاری، ۱۴۱۳: ج ۲: ۱۱۹) محقق خویی (ره) در این موضوع در کتاب «هدایه فی الاصول» بیان می‌دارد که تفاوتی بین احکام وجودی ضرری و احکام عدمی ضرری نیست و بر اساس قاعدة لا ضرر، حکم عدمی ضرری هم برداشته می‌شود و عدم صدور حکم شارع به ضمان، در حقیقت همان حکم شارع به عدم ضمان است. (ر.ک. موسوی خویی، ۱۴۱۲: ج ۲: ۵۷۴)

مرحوم شهید صدر (ره) معتقد است که قاعدة لا ضرر را نیز می‌توان در امور عدمی جاری دانست و با استناد جریان این قاعدة در امور عدمی، می‌توان حکم موضوع را به دست آورد؛ زیرا روایات در این خصوص مطلق هستند و علاوه بر آن، اثبات این موضوع مستلزم فقه جدید نیست. (ر.ک. صدر، ۱۴۱۷: ج ۳: ۴۹۲) حسینی مراغی (ره) از جمله افرادی است که علاوه بر جنبه بازدارندگی، به جنبه اثباتی قاعدة لا ضرر نیز معتقد است. وی در کتاب قواعد فقهی خود به نام «العناوین»، دلیل‌هایی را در این خصوص بر شمرده است، از جمله این دلایل عبارتند از: ۱. حکم عقل: وقتی انسان رفتار زشتی انجام می‌دهد، عقل قاطعانه تصمیم می‌گیرد که رفع آن بر فاعل آن واجب است و باید جبران شود. ۲. تبادر: طبق مفاد حکم ضرر، ضرر باید توسط زیان‌آور، رفع شود. اعم از اینکه ضرر وجودی باشد یا عدمی. (ر.ک. حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۳۱۸)

ایروانی (ره) به نقل از سید یزدی (ره) می‌نویسد: چنانچه زوج برای مدت طولانی حبس شود یا از دادن نفقه زوجه امتناع کند، حاکم، ولایت بر طلاق زوجه خواهد داشت؛ زیرا عدم ولایت حاکم بر طلاق مستلزم ضرر زوجه است و بر اساس قاعدة لا ضرر، ضرر منتفی است. (ایروانی، ۱۴۲۶: ج ۱: ۱۴۴) آیت الله سیستانی معتقد است که معنای حدیث این است که هیچ فردی نباید به دیگری ضرر برساند؛ به دلیل اینکه اسلام دین جامع و کاملی است. (ر.ک. حسینی سیستانی، ۱۳۹۶: ۲۹۲) آیت الله مکارم شیرازی در کتاب «قواعد فقهی» دلایلی را برای اثبات نظریه اثباتی قاعدة مذکور ذکر کرده‌اند و

معتقدند که: «هر حکم عدمی مستلزم وجود یک حکم وجودی است». (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۲: ۸۵)

نتیجه گیری و نظر مختار این است که با توجه به اطلاق روایات در این خصوص و نیز حکم عقل و منطوق و عرف، قاعده مذکور امور عدمی را نیز در برمی گیرد، زیرا که مقصود شارع مقدس اسلام، نتیجه اعمال، ضمان و مسئولیت افراد در قبال رفتار و نیز جنبه بازدارندگی برای سایرین، مطرح بوده است چه از امور وجودی ناشی شده باشد چه از امور عدمی.

تطبیق قاعده لاضرر بر یوگا

۱. ضرر جسمانی و مادی: اما ضرر مادی عمدتاً در «آسنه‌ها» مورد احتمال است، در توضیح "آسنه"^۹ که یکی از زیرشاخه‌های اندام‌های هشت‌گانه یوگا است، باید گفت که این وضعیت‌های متعدد نشستن و اجرای آن‌ها مستلزم هدایت با آموزش آموزگاران متبحر بوده است، به طوری که اقدام خودسرانه به اجرای آن‌ها ممکن است به خسارت‌های بدنی و روانی جبران‌ناپذیر منجر شود. (ر.ک. پوراابراهیم و موحدیان عطار، ۱۳۹۶: ۶۶) با توجه به اینکه یوگای رایج در ایران بیشتر شکل ناقصی از فنون هتته‌یوگاست و این آموزش‌ها نیز در سطح بسیار پایینی عرضه می‌شود و نیز با توجه به اینکه فنون هتته‌یوگا، بیشتر با فیزیک بدن سروکار دارد، اگر مربیان آموزش کافی درباره آسنه‌ها و آناتومی بدن نداشته باشند، آموزش آن‌ها ممکن است صدمات جبران‌ناپذیر به فراگیران وارد کند و تاکنون در این باره گزارش‌هایی هم وجود داشته است.

در مجلات علمی پزشکی غربی نیز گزارش‌های زیادی در مورد یوگا منتشر شده است. وحشتناک‌ترین گزارش در مورد آسیب‌های یوگا در سال ۱۹۷۲ منتشر شد. دکتر «ریچی راسل»^{۱۰} نوروفیزیولوژیست دانشگاه آکسفورد، مقاله‌ای را در «ژورنال پزشکی بریتانیا» منتشر کرد. نتیجه گزارش این بود: «حرکات یوگا حتی برای افراد جوان و سالم نیز خطرناک است». راسل در تحقیقات خود با آسیب‌های شدید مغزی مواجه شده بود که نه به علت حرکات به شدت سریع سر و گردن، بلکه به خاطر انجام حرکت «بوجانگ آسانا»^{۱۱} موسوم به «حرکت مار کبری» در یوگا در مراجعه‌کنندگان به بیمارستان به وجود آمده بودند. راسل هشدار داد که حرکات افراطی سر و گردن ممکن است باعث آسیب شدید شریان‌ها، ایجاد لخته، تورم و گرفتگی شده و در نهایت منجر به ویرانی در مغز شود.

^۹ «آسنه» که یکی از زیرشاخه‌های اندام‌های هشت‌گانه یوگا است. آساناهای یوگا شامل حرکات کنترل شده بدن در وضعیت‌های مختلف، با تاکید بر هوشیاری نفس، تمرکز حواس می‌باشد.

^{۱۰} W. Ritchie Russell

^{۱۱} Bhujangasana

در سال ۱۹۷۳ و یک سال پس از تحقیقات راسل، «ویلیبالد ناگلر»^{۱۲}، متخصص مشهور در زمینه توان بخشی ستون فقرات در «کالج پزشکی دانشگاه کورنل» گزارش عجیبی را در مورد زنی که حرکت «چرخ» یوگا به نام «آردوادانورآسانا»^{۱۳} را انجام می داده است، منتشر کرد. این زن ۲۹ ساله در حین انجام حرکت چرخ دچار سکنه مغزی شده بود. بررسی پزشکان نشان داد که این حرکت باعث اختلال شدید در خون رسانی به مخچه شده و این زن در نتیجه عدم خون رسانی به مخچه دچار مرگ بافتی در بخش چپ مخچه شده است (پایگاه خبری بهداشت معنوی، ۱۴۰۰).

همچنین تحقیقات «گروه ایمنی محصول مشتری» در ایالات متحده نشان داد که به موازات افزایش فراگیری یوگا در این کشور، تعداد پذیرش موارد اورژانسی مربوط به انجام حرکات یوگا، دیگر روند افزایشی کندی ندارد و به شدت در حال سرعت گرفتن است. تعداد مراجعه کنندگان به اورژانس ایالات متحده از ۱۳ نفر در سال ۲۰۰۰ به ۲۰ نفر در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته و پس از آن در سال ۲۰۰۲ به بیش از دو برابر رسیده بود. در انتهای تحقیق ذکر شده بود که باید توجه داشت ناچیز بودن رقم به این دلیل است که این تحقیقات صرفاً افراد مراجعه کننده به اورژانس را مورد توجه قرار داده است، در حالی که بسیاری از آسیب دیدگان به جای اورژانس به پزشکان، جراحان متخصص و انواع دیگر درمانگران مراجعه می کنند (همان، ص ۳).

در سال ۲۰۰۹ یک گروه از پزشکان «کالج جراحان و پزشکان دانشگاه کلمبیا» یک نظرسنجی جهانی در مورد آسیب های یوگا انجام دادند. در این نظرسنجی از مریمان یوگا و پزشکان سؤال شده بود که آسیب های جدی ناشی از یوگا (شامل آسیب های مزمن و آسیب های یوگا که منجر به ازکارافتادگی می شوند) چه بوده است؟ نتایج نشان داد که ۲۳۱ مورد آسیب مربوط به پایین تنه بوده و آسیب مربوط به شانه، زانو و گردن به ترتیب با ۱۱۰، ۱۷۴ و ۲۱۹ مورد و پس از آن تعداد کمتری سکنه از عوارض یوگا بوده است. هرچند این ارقام هشدار دهنده نبودند، اما چهار دهه پس از هشدار راسل، این نظرسنجی در مورد خطرات یوگا، منجر به تصمیم گیری علیه یوگا در مجامع پزشکی غربی شد. (همان، ص ۲)

«راجر کول»^{۱۴} از مریمان یوگا و دارنده مدرک روان شناسی از دانشگاه استنفورد کالیفرنیا و نویسنده چندین مقاله در مورد یوگا برای ژورنال یوگا و همچنین سخنران کالج آمریکایی پزشکی ورزشی، مقاله ای در مورد آسیب های یوگا در ماهیچه ها، رباط های بازدارنده^{۱۵} و همچنین آسیب های دیسک گردن^{۱۶}، در ژورنال یوگا منتشر کرد. «دکتر تیموتی مک کال»^{۱۷} سردبیر مجله پزشکی یوگا نیز بر مبنای تجربیات

12. Willibald Nagler

13. Urdhva Dhanurasana

14. Roger Cole

15. overstretched ligaments

16. cervical- disk

17. Timothy McCall

شخصی خود مقاله‌ای منتشر کرد و در آن از حرکت «سیرس آسانا»^{۱۸} در یوگا به‌عنوان یکی از عوامل سندرم خروجی قفسه‌سینه، آرتروز دژنراتیو مهره‌های گردن^{۱۹} و اشک‌های شبکیه^{۲۰} نام برد. از سویی، بسیاری از تحقیقاتی که ادعا می‌شود نشانگر تأثیرات مثبت یوگا در درمان بیماری‌ها (خصوصاً اختلالات روانی) هستند، در روش تحقیق نواقص مختلف دارند. مقاله‌ای با عنوان «هاتا یوگا برای افسردگی»^{۲۱} تنها یکی از پژوهش‌های علمی انجام‌شده بر روی مقالات پزشکی حامی یوگا به‌عنوان یک ورزش سلامتی بخش است که به این نواقص علمی پرداخته است. (همان، ص ۲)

نتیجه‌گیری این که، با توجه باینکه ترویج یوگا در فقدان اساتید مجرب، می‌تواند آسیب‌های بدنی و جسمانی قابل‌توجهی را متوجه افراد جامعه کند، بنابراین می‌توان گفت که به‌دلیل فقدان مربی کارآموده و نیز تفاوت زیاد کلاس‌های یوگا با یوگای اصیل، قاعده‌لاضرر در این مبحث جاری می‌شود. از دیگر ضررهای جسمی که می‌توان در خصوص یوگا بر شمرد، ریاضت‌های جسمانی غیر شرعی است، با این توضیح که یکی از اندام‌های هشت‌گانه یوگا «نی یمه» یا پرورش عادت‌های نیکو است، که «تپس» یا ریاضت یکی از شاخه‌های آن است. تپس یا ریاضت در میان یوگیان بروز و ظهور بیشتری دارد و به سبب همین اصل است که عموم مردم آن را مرتاض می‌خوانند. این ریاضت‌ها شامل تحمل سرما و گرما، ایستادن‌ها و نشستن‌های طولانی‌مدت، نذر و عهد بر انجام دادن کارهای طاقت‌فرسا، روزه سخن و روزه حرکت و حتی آگاهی خودداری از حرکت‌های چشم و ابرو است. هدف از این تمرین‌ها انهدام ناپاکی‌ها و در نتیجه تکامل جسمی و حواس است» (بیرونی، ۱۳۷۹: ۱۰۵). از دیگر ریاضت‌های جسمانی یوگا، اصلاح نشستن است، هدف از اصلاح وضعیت نشستن و تمرینات بدنی یوگا همانا قطع توجه از بدن برای استغراق در حقایق لایتناهی است. با این تمرینات، امید می‌رود نظام عادی حواس و تأثیر و تأثرات آن از بدن دیگرگون، و در نتیجه ذهن از تأثیر بدن رها شود. (ر.ک. پورابراهیم و موحدیان عطار، ۱۳۹۶: ۱۰۳). از دیگر موارد ریاضت‌های یوگا، «آپریگره» و به معنای «پذیرفتن هدیه و صدقه» است. با این دستور بر آن‌اند که یوگی را از عواقب و تبعات پذیرش هدایا و صدقات، یعنی دغدغه نگهداری، دل‌بستگی و آرزو، برکنار دارند. بدیهی است این عوامل از مهم‌ترین اسباب تشویش خاطر تلقی شده‌است، چراکه چاره را در مصون ماندن از آن یا رد هرگونه پذیرش دانسته‌اند. (همان: ۹۸)

یکی دیگر از نی‌یمه یوگا، تحت عنوان «شوچه» (طهارت و پاکی) از دیگر موارد ریاضت‌های جسمانی یوگا است. شوچه از پاکیزگی، بی‌علاقگی به بدن خود حاصل و تماس با دیگران قطع می‌شود. (چاترجی و داتا، ۱۳۹۴: ۵۶۵) در کتاب یوگا در ایران در مبحث «هتته‌یوگا» آمده است «آموزه‌های مفصلی نیز برای پرهیز و رفتار اجتماعی هست. مثلاً یوگی باید از مسافرت، حمام صبحگاهی و ملاقات با مرد یا

18. Sirs-asana

19. degenerative (arthritis of the cervical spine)

20. retinal tears

21. Hatha yoga for depression

زن بیمار خودداری کند...». (پورا بر اهیم و موحدیان عطار، ۱۳۹۶: ۵۲). همچنین در مبحث «کواندالینی» یوگا آمده است: «برای دست یافتن به وحدت پراکنده دو نیروی متضاد حیات و تحقق بخشیدن آن، یوگای خاصی در تتره ابداع شده که بدون تردید یکی از روش‌های ریاضت بسیار خطرناک و عجیب است و آن موسوم به «کواندالینی یوگا» است.» (همان: ۵۴)

باتوجه به توضیحات فوق، این‌گونه ریاضت‌ها، به‌منظور رسیدن به قدرت‌ها و قابلیت‌های خاص و نیز آرامش و فقدان رنج انجام می‌شود؛ بنابراین یوگا به حیثیت اشتمالش بر چندگونه ریاضت جسمانی غیر شرعی، می‌تواند تحت قاعده لا ضرر قرار گیرد.

۲. ضرر دینی و معنوی: جایگزینی آداب هندی که در مقدمات یوگا به آن‌ها اشاره می‌شود، مانند اصل «اهیمسا»^{۲۲} (بی‌آزاری و خودداری از هر آسیب به هر موجودی) به‌جای فرهنگ اسلامی، ضرر معنوی-فرهنگی دیگری است که متصور است در افراد به وجود آید. به این توضیح که بسیاری از افراد ممکن است به‌دلیل کسب برخی از فواید مانند آرامش، به یوگا و به‌صورت کلی‌تر به فرهنگ هندی‌ها علاقه‌مند شوند، بنابراین احتمال نوعی روی‌گردانی از تعبد‌های شرعی اسلام، مانند نماز و روزه، وجود دارد. از دیگر مصادیق ضرر دینی این است که بر اساس اصل «اهیمسا» (بی‌آزاری)، فرد یوگی اهل جهاد و مبارزه با دشمن نیست، چون دنبال آرامش فردی و خودخواهانه است و کسی که دنبال این‌گونه آرامش است دنبال جهاد فی سبیل الله و مبارزه با دشمنان اسلام نمی‌رود، زیرا متعلم یوگا نباید هیچ‌گونه آسیبی به دیگران وارد آورد. با کمی دقت مشخص می‌شود این اصل مخالف جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و متجاوزان به سرزمین و کشتن محاربان است، زیرا در اصل جهاد اسلامی، بر فرد مسلمان واجب است با دشمنان اسلام و متجاوزان به سرزمین مسلمانان بجنگد و آن‌ها را از سرزمین اسلامی بیرون نماید. همچنین قصاص و مقابله با اشرار و سارقان و متجاوزان به نوامیس و حریم افراد جامعه نیز، خلاف اهیمسا و مخالف قانون خودداری از آسیب رساندن به افراد است و نیز جایگزین نمودن تمرینات یوگا به جای نماز و دعا و زیارات ائمه اطهار (ع) جهت کسب آرامش روحی و ذهنی و ...

۳. ضرر اجتماعی و فرهنگی: نخستین مرحله از چهار مرحله زندگی دینی شخص هندو، مرحله "برهمه چریه"^{۲۳} یا اصل «پرهیز جنسی» می‌باشد. که در اصطلاح، به‌معنای زندگی مجردی و طلبگی علوم دینی هندی محسوب می‌شود. همچنین، به‌معنای زندگی همراه با خویشتن‌داری جنسی و عزوبت و عفت نیز به کار می‌رود. در مکتب یوگا، این مرحله، به‌منظور مهار قوای جنسی

^{۲۲}. اهیمسا، یا بی‌آزاری یا عدم خشونت نامی با ریشه سانسکریت است. اهیمسا همچنین یکی از اصول مهم ذکر شده در پاتانجالی یوگا می‌باشد و در آنجا بیشتر از آنکه یک نام باشد بیشتر اشاره به یک روش زندگی است. در واقع زندگی بر مدار صلح و درونی خالی از هرگونه نفرت و آزار نرساندن نه تنها به انسان بلکه هر جاندار دیگری.

^{۲۳}. برهمه چریه: ویاسه آن را مهار ساختن اعضای پنهان یا به عبارت دیگر مهار اعضای تناسلی تعریف نموده است. (داریوش شایگان، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۲، انتشارات امیر کبیر، ص ۶۷۰).

بیان شده است. که البته قابل ذکر است، این ممنوعیت جنسی شامل روابط جنسی شرعی و حلال نیز می شود. همچنین در خصوص پرهیز از شهوت در مکتب یوگا آمده است: "به نظر می رسد معلمان یوگا، دفع شهوات را در مقابل کنترل ذهن و هوش می دانند. این البته با انسان شناسی یوگا نیز سازگار است، جایی که پرهیز از شهوات به عنوان یکی از پنج ثمره خودشناسی کاذب شناخته می شود. و پرداختن به آن، دامن زدن به جهل و نادانی است که منجر به میل به لذت می شود، اما برخی علت این پرهیز را باز داشتن نیروی عظیم شهوات نسبت به عوالم معنوی معرفی کرده اند و علاوه بر آن، هدف یوگا در این ممنوعیت، نه برای تعدیل و نرم کردن غریزه جنسی، بلکه برای محو و از بین بردن آن است." (ر.ک. شایگان، ۱۳۷۹: ۲: ۶۷۱)

بیرونی در این خصوص گفته است: «امساک شهوات و پرهیز از آمیزش جنسی یکی از اصول مهم ریاضت هندی است و یوگا معتقد است که قوه شهوانی یکی از منابع سرشار از نیرو است و آدمی با پرهیز از شهوات می تواند این نیروی غریزی را از مجرای طبیعی خود منحرف بسازد و متوجه عالم روحانی گرداند» (ر.ک. بیرونی، ۱۳۷۹: ۱۰۴) این تشویق به ازدواج نکردن برای کسب قدرت های واهی روحی و معنوی، یک ضرر فرهنگی و اجتماعی دیگر است که علاوه بر افزایش سن ازدواج در جوانان، پیری جمعیت کشور، موجب از بین رفتن قدرت کار و تلاش در نسل جوان و منحرف نمودن پتانسیل و انرژی نسل جوان از کار و تولید و خلاقیت به سمت عرفان های دروغین و کسب آرامش های کاذب می گردد و فساد و ضررهای اخلاقی، اجتماعی، فردی و روانی برای اجتماع و افراد در آن متصور است.

۴. ضرر فکری: یوگا فرد را عادت می دهد به اینکه به جزئیات زندگی مادی و تغییر و تحولات روزمره بی اعتنا باشد و نسبت به هیجانات روحی مانند دلدادگی، عشق، تنفر و به صورت کلی حب و بغض، خنثی باشد، تا انسان بتواند آرامش درونی خود را حفظ کند. تبعاً این نوع تفکر و عادت فکری، برخلاف عرف عام و هنجارهای عقلایی زندگی است و اگر در جامعه این روش فکری رواج و اشاعه پیدا کند و چه بسا ضررهای اجتماعی قابل توجهی با خود به همراه داشته باشد.

نتایج

امروزه یوگا در جامعه جهانی و جامعه ما مدام رو به گسترش است. باتوجه باینکه در جامعه اسلامی باید هر مسئله از دیدگاه شریعت اسلام سنجیده شود و حکم آن مسئله بر اساس مبانی فقهی استخراج و تبیین شود، بنابراین مسئله ترویج یوگا به عنوان یک امر مستحده، باتوجه به قاعده فقهی لاضرر، می تواند ملاک صدور حکم شرعی قرار گیرد. ازسوی دیگر شناخت ماهیت یوگا به عنوان موضوع حکم فقهی از آن جهت اهمیت دارد که در تطبیق دادن قضایای کلی فقهی بر مسئله، باید معلوم باشد که مسئله ما دقیقاً چیست؟ به نظر می رسد که اختلاف نظرات فقهی موجود در این خصوص، نیز برخاسته از عدم شناخت کافی و صحیح و تعریفی جامع از حقیقت یوگا است.

پذیرفتن این نظریه که یوگا تنها یک تمرین بدنی است که صرفاً برای آرامش، یا چاقی و لاغری و یا بدن‌سازی استفاده می‌شود، کوتاه بینانه‌است و نباید شکل ظاهری و عملی یوگا را ورزش یا تمرینی بدنی و فاقد هرگونه عقبه فکری و عقیدتی در نظر گرفت. اغلب اساتید مروج یوگا از پاسخ‌گویی به این سؤال که «هدف از ورزش یوگا چیست» اجتناب می‌کنند و تلاش می‌کنند آنچه را که جامعه مخاطب یوگا می‌پسندد را به‌عنوان هدف ترویج یوگا بیان کنند، ولی مشخص است که اکثر مخاطبان یوگا به اهداف تبلیغاتی موعود دست نمی‌یابند؛ لذا این اهداف را نمی‌توان هدف اصلی یوگا به‌شمار آورد، زیرا یوگا یک مکتبی هست با پیشینه چند هزار ساله که بر اساس اهدافی بزرگ پایه ریزی شده‌است و شناخت اهداف آن، به‌راحتی برای افراد عادی قابل تشخیص نیست. البته مربیان و مروجان اصلی یوگا بیان می‌کنند که جنبه‌های ورزشی و آرامش بخش یوگا از مبانی دینی و فلسفی، آن قابل تفکیک نیست و از همین ادعا می‌توان نتیجه گرفت که یوگا صرفاً یک ورزش یا فعالیت مؤلّد آرامش نیست. بنابراین آنچه به نظر می‌رسد این است که یوگا، مقدمه‌ای است برای ورود به مباحث دیگر، که در آن مباحث باید اهداف اصلی یوگا را پیدا کرد، که البته در آن اهداف، دگرگونی ارزش‌های انسانی ضروری است.

در تطبیق قاعده «لاضرر» بر یوگا بیان شد که جایز دانستن و ترویج یوگا در فقدان اساتید مجرب می‌تواند آسیب‌های بدنی قابل توجهی را متوجه افراد جامعه کند. از دیگر مسائل تطبیق قاعده این است که فرد یوگی اهل جهاد و مبارزه با دشمن نیست، چون در پی یافتن آرامش است، و اینگونه افراد، به دنبال انجام وظایف دینی و وظیفه جهاد فی سبیل الله و مبارزه با دشمنان اسلام نخواهند رفت. همچنین بر اساس اصل اهی‌مسا (دیگر آزاری) نباید هیچ‌گونه آزاری به دیگران و حیوانات وارد بیاورد و این اصل مخالف اصل جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و متجاوزان به سرزمین و کشتن محاربان است. از دیگر موارد تطبیق قاعده، بیان شد که در یوگا چند گونه ریاضت وجود دارد که همه آنها خارج از حوزه دین اسلام است. این ریاضت‌ها به‌منظور رسیدن به قدرت‌ها و قابلیت‌های خاص و نیز آرامش و فقدان رنج انجام می‌شود؛ بنابراین یوگا به حیثیت اشتغال بر چندگونه ریاضت که شماری از حلال‌های الهی را بر پیروان خود حرام اعلام می‌کند، مورد اشکال است. بنابراین در یوگا و ترویج آن در جامعه ضررهای متعدد معنوی، جسمانی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و فکری معتبر است و می‌تواند تحت قاعده لاضرر قرار گیرد.

هرچند می‌توان تصور کرد افرادی که با متن و بافت اجتماعی-فرهنگی یوگا ناآشنا هستند، صرفاً از بخش تنفس و نشستن‌های ویژه آن برای کسب آرامش بهره بگیرند، که در این صورت از موضوع بحث ما خارج است. اما مروجان اصلی و پیش‌کسوتان یوگا در ایران و نقاط دیگر جهان تمایل جدی به رعایت کامل یوگا در شکل اصلی اش دارند؛ بنابراین یوگا بالقوه می‌تواند به‌عنوان یک امر مضر در جامعه اسلامی مطرح باشد. هرچند نمی‌توان به‌سادگی یوگای رایج در همه باشگاه‌های یوگای ایران را ورزش محض محسوب کرد، اما در صورت فرضی که احراز شود، یوگا به اشتراک لفظ استفاده شده‌است و

هیچ اشتراک ماهوی با یوگای پاتانجلی ندارد و تنها صورتی شبیه به آن دارد. در این فرض نمی‌توان حکم به حرمت فقهی آن داد.



منابع

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۳ق). المكاسب المحرمه. ۶ جلد. چاپ بیست وسوم. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- الیاده، میرچا (۱۹۵۸). یوگا. ترجمه احمد شاکر نژاد (۱۳۸۶). مجله هفت آسمان، ۳۶، ۱۰۸-۹۷.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۶ق). درس تمهیدی فی القواعد الفقهیه. ۲ جلد. چاپ پنجم. قم: دارالفقه.
- ابوریحان بیرونی، محمد و ریتز، هلموت (۱۳۷۹). پاتانجلی. ترجمه منوچهر صدوقی سها. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پایگاه خبری بهداشت معنوی، هشدار پزشکان غربی در مورد مضرات یوگا. مشاهده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ از نشانی
<https://behdashtemanavi.com/%D9%66%DB%8C%D%88%DB%8C%D9%88%D%B1%DA%A9%E0000%08%D8%AA%D%A%DB%8C%D9%55%D%B2-%DB%8C%D%8%DA%AF%D8%A7-%D%A2%D%B3%D8%A%D%8%D8%A/>
- پورابراهیم، علی محمد و موحدیان عطار، علی (۱۳۹۶). یوگا در ایران. چاپ اول قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۶). قاعده لا ضرر و لا ضرار. چاپ دوم. تهران: خرسندی.
- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین. ۲ جلد. چاپ دوم. قم: موسسه نشر اسلامی.
- جیوتی، آن دانا (۱۳۸۰). گنجینه اسرار یوگا. ترجمه سید جلال موسوی نسب و ساناز فرهنگ. تهران: انتشارات فردوس.
- چاترجی، ساتیش چاندرا و موهان داتا، دریندرا (۱۳۸۸). معرفی مکتبهای فلسفی هند. ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۵ق). القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (الرسائل للإمام الخمينی). ۲ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- سوامی ساتیاسنگ، آناندا (۱۳۷۷). علم عناصر. ترجمه جلال موسوی نسب. تهران: انتشارات فراروا.
- ساتیاناندا سارا سواتی، سوامی (۱۳۸۰)، یوگا سوتره های پتنجلی، ترجمه جلال موسوی نسب، تهران: انتشارات فراروان.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۹). ادیان و مکتبهای فلسفی هند. ۲ جلد. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول. ۷ جلد. چاپ دوم. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.

- کارت، جرمی و کینگ، ریچارد (۲۰۰۵). یوگا و غرب گرفتار آمدن در دام دکارتی. ترجمه جواد طاهری (۱۳۹۲). ماهنامه سیاحت غرب، ۱۱۶، ۱۰۴-۹۷.
- دوی، نیس چالا جوی (۱۳۸۰). یوگا برای شفابخشی. ترجمه شهره عبدالهی. تهران: انتشارات اسرار دانش.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۳۷۶). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. ۲ جلد. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). قواعد الفقهیه. ۲ جلد. چاپ سوم. قم: مدرسه امام علی (ع).
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). هدایه فی الاصول. ۴ جلد. چاپ سوم. قم: مؤسسه صاحب الامر (ع).
- مهاجر گنجه‌ای، رضا (۱۳۸۶). دائره المعارف یوگا. چاپ دوم. تهران: انتشارات کلام شیدا.
- هیتلمن، ریچارد (۱۳۸۸)، آموزش یوگا در ۲۸ روز، ترجمه مهرداد پارسا، تهران: انتشارات اردیبهشت.
- هینلز، جان راسل (۱۳۹۶). فرهنگ ادیان جهان. ترجمه عسکری پاشایی. تهران: انتشارات میترا.

